

چهارشنبه ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۵

ناتور رحمانی

به بهانه ی تجاوز!؟



جهان سرمایه
 با مارک شناخته شده ی
 امپریالستی اش
 همان سیستم جهانخوار متجاوز
 برای چاپیدن
 به زنجیرکشیدن و انقیاد توده ها
 در هر گوشه دنیا
 از شاخه افریقا تا آسیا
 و بخشی از اروپا
 با برنامه سازان ترفند بازش
 در هرزمینه ی
 به هربهانه ی
 جال پهن می کند
 او برای تجاوز و تخطی اش
 تعبیر و تفاسیری دارد
 به نام آزادی
 دفاع از آزادی بیان
 حقوق بشر
 تحقق دموکراسی
 رفع ظلم و عدالت اجتماعی
 ووووو ...
 البته با همان سرمایه های
 ربنوده و تاراج نموده از
 منابع اقتصادی جهان سومی
 واستثمار توده ها
 غول سرمایه
 بسیار زیرکانه
 برای تحقق مراسم
 زبون ترین های شرفباخته را
 خود فروشان ناشناخته و شناخته را
 به بسیار آسانی



اجیرنموده مزدورمی سازد
آنگاه کارگزار سرمایه داری
کارکشته ترین کارگردان جهانی
با سوژه های از پیش تدوین شده
توسط چند نقش آفرینی
آماتور و کهنه کار
فریب خورده های فریب کار
جاهل و روحانی
یا روشنفکر هرجایی
چند اوباش و بیکاره کذایی
درامه هایش را به نمایش می گذارد
با پیش پرده ها
و نیم پرده های زیرپوشش
انجوها ، فعالین اجتماعی
پژوهشگر
یا تحلیل گر سیاسی
گروپک یا گروهک های آنچنانی
ایجاد کمربند سبز
با القاعده و داعش
با جنگجوی طالبی
در سرزمین های درگیرمانده
با فقر و بی سواد
تقلب و فساد
بی کفایتی اداری
دین و مذهب سیاسی
سروصدا ایجاد
و هرج و مرج به پا می کند
با ترندها و نیرنگ های متفاوت
دین در خطر است
آزادی در بند است
تفتیش عقاید ستم می کند
حقوق زنان پایمال می شود
گرسنگی جان می گیرد
سانسور زبان می بُرد
فریاد ها از حلقوم گماشته ها بلند می شود
وای وطن ، وای مردم !!
آنگاه پولیس ضد شورش
توطئه ی تک تیراندازهای اجیر
انتحار، انفجار ، مرگ ، ماتم ، درد و سوزش
خون ، خون ، حمام خون



دریای خون
خون بیگناهان ، غیر نظامیان
کودکان ، پیران
زنان و جوانان
برزمین می ریزد
شیار و رگه های خون
از سومالی و سودان
عراق و لیبیا
مصر و ونزویلا
اوکراین و یوگسلاوی
فلسطین و مالداوی
سوریه و بنغازی
تا افغانستان امتداد دارد
وقتی نمایشنامه ها به اوج می رسد
کارگردان با هیجان ارضا نشده
درپی اشغال و تجاوز
چوکی های شکسته و خالی را
با جابجایی و دوباره سازی
با وجود نامیمون مزدورانش
در هر کجای که نشان از خون و خرابی
پُر می سازد و بودنش را
در ساحه توجیه می نماید
او در کارش خبره است
کاری می کند که مردم اسیر شده
بربادر فتگان ستم تجاوز
بدتر را با بد مقایسه کرده
و برگور کفن کش قدیم
دخیل بسته و شمع روشن کنند
درین معرکه ها
استعمار از تریبون رژیم های دست نشانده
وضع را چنان نشان می دهد
که اگر من نباشم
آزادی نیست
دموکراسی و عدالت اجتماعی
امنیت و رفاه همگانی نیست
آدم آدم را خواهد خورد
وووووو ...
اما ، مردم به تاراج رفته
به اسارت گرفته شده ها
میلیون ها بیوه و یتیم

معیوب ، معلول ، معتاد و روان پریش ها
سرزمین های اشغال شده
گورستان های نشانی شده
شهرهای به خون و خاکسترنشسته
همه می دانند
و با صداقت گواه اند
که بانی و مسبب این همه بربادی
خون و خرابی
هرج و مرج و سیه روزی
اینجا و آنجا
در هر گوشه ی دنیا
امپریالیزم و انبازانش
سیستم سرمایه داری
اشغالگر متجاوز
استعمارنویین
و فتنه انگیز جهانی است .
(ناتور)

